

ارزیابی مشارکت شهروندان در حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر پیرانشهر)

ابراهیم شریفزاده اقدم*، عبدالله شیخی**، اکبر حیدری تاشه کیود***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۲۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و شناخت وضع موجود نظام مشارکت شهروندان در حکمروایی شهری پیرانشهر می‌باشد و در واقع در پی پاسخ به این سؤال است که شهروندان تا چه میزان در تصمیم‌گیری‌های مدیریت شهری از طریق حکمروایی شهری مشارکت داده شده‌اند. این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است. نتایج ارزش‌گذاری شاخص‌ها و زیرشاخص‌های اداره بهینه شهری در مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision نشانگر آن است که شاخص "مشارکت (A)" با امتیاز ۰/۲۳۳، شاخص با ارجحیت اول می‌باشد. همچنین، نتایج آزمون پیرسون حاکی از این است که اغلب شاخص‌های موجود در مدل تحقیق، تأثیر معناداری بر میزان مشارکت شهروندی در اداره شهری داشته‌اند. نتیجه‌ی اساسی پژوهش، وجود رابطه‌ی اساسی بین مسائل شهری و شاخص‌های حکمروایی است، به گونه‌ای که بیشترین میزان واریانس با میزان ۲۹/۷۵ مربوط به گوپه "مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار" و بعد از آن با واریانس ۱۸/۸۷۴ مربوط به گوپه "مشارکت" می‌باشد که ناشی از انگیزه بالای مردم جهت مشارکت و تمایل به یکپارچگی مدیریت پایدار در امور شهری است. در بحث رتبه‌بندی محلات از لحاظ مدیریت مشارکتی نیز (آزمون کروسکال‌والیس)، "محله ۲۴" با بیشترین امتیاز (۲۳۶/۶۶) رتبه اول را به خود اختصاص داده است. نتایج کلی پژوهش، دال بر این واقعیت است که نادیده گرفتن نظر شهروندان در رابطه با مدیریت شهری و نحوه تصمیم‌گیری مدیران شهری، به‌طور قابل‌توجهی در روند حکمروایی شهری پیرانشهر مؤثر بوده، و همین امر سبب تأثیرات نامتعادلی در نواحی شهری شده است.

واژگان کلیدی

مدیریت شهری، مشارکت شهروندی، حکمروایی خوب شهری، پیرانشهر

brahim.sharifzadeh@gmail.com

* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر تأکید بر حکمروایی خوب به دلیل تمرکز روبه رشد پژوهشگران بر تحولات بنیادی در سطوح اداری بیشتر شده است تا ساختارهای محلی را از سیطره ساختارهای ملی رها کرده و جامعه مدنی را به‌سوی مشارکت، آزادی در گفت‌وگو و تصمیم‌سازی رهنمود سازد (لیون^۱، ۲۰۰۰: ۴۳). حکمروایی خوب شامل گستره وسیعی از مشارکت‌ها و همکاری میان مردم، دولت و بخش خصوصی بوده و به عبارتی، مدل انعطاف‌پذیر تصمیم‌گیری توسط کنشگران متنوع^۲ جامعه در مسائل عمومی است؛ به بیانی دیگر به استقرار شرایط عملی و به‌طور مؤثر ترویج مشارکت، اجماع‌گرایی، پاسخ‌گویی، شفافیت و حاکمیت ارزش‌های قانون تعهد دارد (جانسون^۳، ۲۰۰۷: ۹). در واقع انگاره‌ای است که در سه حیطه نهادها، ساختارها و سازمان‌ها باید حضور و ارتباط فعال داشته باشد، زیرا که برای رسیدن به حکمروایی بهینه باید نهادهای دموکراتیک لازم را ایجاد کنیم (کاظمیان، ۱۳۸۶: ۸-۱۷). آنچه بیان شد این رویکرد را در زمره مسائل بحث‌برانگیز قرار داده و باعث شده است که به موضوع چالش‌برانگیزی در عرصه سیاست عمومی تبدیل شود.

در ایران با ازهم‌گسیختگی روابط اجتماعی در شهر، شهرنشینی، کاهش همکاری و تعاون، ضعف در حمایت‌های اجتماعی جامعه محله‌ای در برنامه‌های عمران شهری، رکود و ضعف در امنیت اجتماعی و رسیدگی به امور انتظامی، حفاظت و امنیت و خلاصه عدم مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، در بسیاری از شهرها موجب ائتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی و تشدید مشکلات و ناهنجاری‌های شهری گردیده است (شماعی، ۱۳۸۳: ۱۱۸) اما در دهه‌های اخیر به جامعه در حال گذار تبدیل شده است و با مطرح‌شدن مباحث جدید و خصوصاً وجود شوراهای که نشان از حضور نسبی مردم در حکمروایی شهری دارد، گامی برای مشارکت عملی مردم برداشته شده است؛ اگرچه عدم استقلال شوراها، مشخص نبودن جایگاه شوراها به‌عنوان نهاد مستقل مدیریتی در سطح محلی، عدم وجود هماهنگی‌های لازم بین نهادهای محلی و سازمان‌های بخش دولتی در برنامه‌ریزی و اجرا، روبرو بوده‌اند. درحالی‌که شوراها می‌بایست با استفاده از فاکتور اختیارات، و با توجه به مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقدام به تهیه استراتژی‌های مناسب، اتخاذ سیاست‌های کارا و هماهنگ و سرمایه‌گذاری‌های صحیح نمایند که در آن مجموعه منافع افراد و مصالح جامعه دیده شده باشد؛ لیکن این امر نیازمند تغییر نگرش در ساختار مدیریتی می‌باشد. تغییر نگرش ساختار مدیریتی حکومت‌ها در امر اداره شهری با به‌کارگیری الگوهای شهروندمداران از طریق حکمروایی شهری، اداره شهرها را به سمت برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی و دوری از نگرش‌های خودکامه-تک بعدی و ایده‌های بالا به پایین، سوق می‌دهد و ضمن تأکید بر مدیریت شورایی بین مدیران شهری باهم^۴ از یک‌سو و نیروهای فعال جامعه مدنی به‌عنوان نیروی تأثیرگذار در فضاهای شهری از سوی دیگر، نیازمند اجماع محوری همه نیروهای شهری برای بالا بردن اثربخشی و عملیاتی کردن رویکرد مردم‌سالارانه در همه نواحی شهری است؛ لذا گرایش به سمت "مدیریت شورایی و شکل‌گیری نهادهای محلی" در جهت بهبود حکمروایی شهری ضروری است. این ضرورت به‌ویژه در شهرهایی که به دلایلی خاص مانند مهاجرپذیری از شهرهای مختلف، دارای خرده‌فرهنگ‌ها و بافت ناهمگن فرهنگی هستند، بیش‌ازپیش احساس می‌شود تا شهروندان با احساس مقبول واقع‌شدن از سوی مدیریت شهری، خود را صاحبان اصلی شهر دانسته و بدین طریق با افزایش حس مسئولیت‌پذیری و تعلق مکانی، مدیریت شهری را در یاری‌رساندن به اهداف پیشرو کمک کنند.

شهر پیرانشهر به‌عنوان شهری دارای جمعیت با ویژگی‌های متنوع که ناشی از مهاجرت‌های صورت گرفته در چند دهه اخیر^۵ بوده، دارای بافت ناهمگن فرهنگی می‌باشد. آنچه در این شهر مشاهده می‌شود، عدم آگاهی و شناخت و در بیشتر موارد برخورد دوگانه مدیریت شهری^۶ با رویکرد حکمروایی شهری و مشارکت به‌عنوان پایه اساسی آن می‌باشد و همین امر، مشارکت شهروندان را در مدیریت شهری این شهر با مسائلی روبرو ساخته است. بر اساس آنچه بیان شد، پژوهش حاضر باهدف کلی بررسی عملکرد مشارکت شهروندان در ارتباط با مدیریت شهری با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری به نگارش درآمده است تا با بررسی رابطه بین الگوی حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندان در اداره شهر، به شناخت وضع موجود نظام مدیریت شهری پیرانشهر در حکمروایی خوب شهری بپردازد. در رابطه با این اهداف سؤالات و فرضیه‌های ذیل قابل طرح است که بدین شرح می‌باشند:

- شهروندان پیرانشهر تا چه میزان در تصمیم‌گیری‌های نظام مدیریت شهری از طریق حکمروایی خوب شهری مشارکت داده‌شده‌اند؟

- آیا مشارکت شهروندان پیرانشهر در حکمروایی شهری کارایی و اثربخشی داشته است؟

- به نظر می‌رسد، بین حکمروایی خوب شهری و مشارکت شهروندان در اداره شهری رابطه معناداری وجود دارد.

- به نظر می‌رسد، آشفته‌گی عملکردی مدیریت شهری در فرآیند شکل‌گیری مدیریت مشارکتی ناشی از فقدان استراتژی‌های مصوب و اجرایی است.

پیشینه تحقیق

در زمینه موضوع پژوهش حاضر تاکنون مطالعاتی در قالب مقاله و پایان نامه انجام گرفته است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱- پیشینه تحقیق

نویسنده/ سال	عنوان پژوهش	نتایج
آدینه وند و همکاران (۱۳۹۱)	بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمروایی خوب شهری (بابلسر)	در چارچوب الگوی حکمروایی خوب شهری به بررسی عملکرد شهرداری پرداخته که نتایج نشان‌دهنده سطح نامناسب سه مؤلفه مشارکت، پاسخگویی و کارایی میان شهروندان و شهرداری بوده است.
احمدی کردآسیایی (۱۳۹۱)	ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری در قائم‌شهر	به این نتیجه رسیده است که نابرابری توزیع در دستیابی ساکنین نواحی به خدمات و میزان تخصیص و تحقق هزینه‌ها می‌باشد.
تقوایی و تاجدار (۱۳۸۸)	درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی	بر این نکته تأکید کرده‌اند که باوجود ساختاری شدن پاره‌ای از مشکلات مدیریت شهری در ایران، تبیین صحیح، نهادینه‌سازی و نگاه راهبردی به موضوع "حکمروایی خوب شهری" کمک می‌کند تا مدیریت پایدار شهری به‌سرعت و امیدواری بیشتری در شهرهای ایران شکل گیرد.
ملاحسنی (۱۳۸۳)	سرمایه اجتماعی در سطح محله (نمونه موردی: محلات شیراز)	عنوان می‌کند که شبکه‌های اجتماعی افراد در سطح محله هرکدام بر تمام ذخیره سرمایه اجتماعی مؤثر است، به طوری که بُعد کیفی سرمایه اجتماعی یعنی هنجار متقابل و عمل متقابل بیشتر می‌شود؛ بدین معنی که در مشارکت‌های محلی، انجام کارهای داوطلبانه بیشتر می‌شود و در کل، تعلق اجتماعی سرمایه اجتماعی را می‌سازد.
کندی استوارت (۲۰۰۶)	طراحی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری: ارزیابی اهمیت مشارکت شهروندی در ونکوور بزرگ	تأکید می‌کند که در انتخاب شهرداران و مقام‌های شهری، انجمن‌های مختلف می‌توانند نظرات خود را به‌صورت آزاد و مؤثر بیان کنند و بدین‌صورت انتخاب مدیران شهری بر اساس اجماع گرای صورت می‌گیرد. وی تنها راه علاج در زمینه بهبود مدیریت شهری را این امر می‌داند.
پریس / ^{viii} (۲۰۱۱)	نقد ارتباط بین حکومت مشارکتی و مدیریت محیط‌زیست شهری؛ تجربه آرکوپیا ۲۰۰۳-۲۰۰۶	در مرحله اول، فرایند به‌خودی‌خود مشارکتی بوده و نقش کارگروه‌ها، استفاده از اطلاعات عینی، ارتباط با شهروندان و برخی مسائل مربوط به تسهیلات است. در مرحله دوم، تحلیل‌ها به سمت پاسخگویی جریان می‌یابد و تلاش به ارتباط دادن بین اقدام سیاسی و مذاکرات که در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی صورت می‌گیرد، ختم می‌شود. ثالثاً، بر نهادینه کردن تجربیات قبلی به‌ویژه آن‌هایی که مربوط به محیط‌زیست و آموزش در ارتباط با حکمروایی تأکید می‌کند، اشاره دارد.
فهنل و همکاران (۲۰۱۳)	چارچوبی برای ارزیابی و طراحی برنامه‌ریزی مشارکتی	برنامه‌ریزی سازمانی می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب، ابزار و منبع الهام‌بخش در طراحی فرآیندهای مشارکتی و ارزیابی آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. از این طریق می‌توان به یک طرح برنامه‌ریزی مشارکتی کارآمدتر و جامع‌تر دست یافت.
شریف‌زاده اقدم و اصغری زمانی ^x (۲۰۱۴)	ارزیابی مدیریت مشارکتی در شکل‌گیری محله‌های شهری پایدار (از نظر زیست‌محیطی)	نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های موجود در پژوهش اثر قابل توجهی در افزایش پایداری زیست‌محیطی محله‌های شهری دارد. همچنین نشانگر این واقعیت است که شهروندان بر این باورند مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری و مدیریت شهری مؤثر است و بنابراین باید به‌صورت مثبت و قوی در مدیریت شهری شهرشان شرکت داده شوند.

مبانی نظری پژوهش

مدیریت مشارکتی از دهه ۱۹۵۰ مطرح شده است. عمده‌ترین دلیل طرح مدیریت مشارکتی محدودیت‌های ناشی از دیوانسالاری بیش‌ازحد اداری بود که به ایجاد رویکردهای نوین مدیریتی که کلیدی‌ترین جزء آن را کار گروهی و توانمندسازی تشکیل می‌داد، منجر شد (سازمان شهرداری‌ها، ۱۳۸۷: ۷۱۰). تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰م به بعد در برنامه‌های توسعه و همچنین توسعه شهری توجه بسیاری به رویکرد مشارکتی شده است؛ تا جایی که در حال حاضر مشارکت شهری رمز موفقیت پروژه‌های توسعه شهری و همچنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری و ارکان آن (شهرداری‌ها و شورای شهر) است (برنامه توسعه سازمان ملل متحد،^{xi} ۲۰۰۲: ۳۵-۳۸).

مدیریت مشارکتی در شهر اصطلاحی عمومی است که به طراحی تدابیری برای نقش دادن به شهروندان در یک زمینه یا منبع خاص اطلاق می‌شود (المودی^{xii}، ۲۰۰۸: ۲۳). به عبارتی، فرآیند نوینی از مدیریت شهری با تأکید بر نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی و ارائه راهکارهای عملی سهیم شدن مردم در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در نظام مدیریت شهری است. این رویکرد را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان‌یافته و مؤثر یکان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و

بخش‌های عمومی و خصوصی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲: ۳۵-۳۸). در واقع، هنگامی که مدیریت مشارکتی پا به گستره مدیریت شهری می‌گذارد، می‌توان آن را این‌گونه بیان کرد که "مدیریت مشارکتی شهری یعنی توانمندسازی شهروندان به‌منظور مداخله در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت شهری" (صادقی و رهنما، ۱۳۹۲: ۱۷۲). آنچه عنوان شد دال بر اهمیت مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر است، تا جائیکه بنا بر اطلاعات بانک جهانی، یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری مربوط است به تقویت دولت‌ها و دیگر سرمایه‌گذاران برای شناسایی مشکلات شهری از طریق مشورت‌هایی که نهادهای شریک در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی را درگیر کند (رهنما و توانگر، ۱۳۸۵: ۹۲۲). این گفته زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که در یابیم نهادهای سازنده روند توانمندسازی اجتماعات برای مشارکت، گامی به‌سوی توسعه پایدار، فراگیر و راستین است (صرافی، ۱۳۷۷: ۵) و مدیریت مشارکتی شهری با فراهم آوری زمینه مشارکت شهروندان، علاوه بر تسهیل این امر، به فراهم شدن احساس مالکیت، افزایش روحیه و کاهش مقاومت در برابر تغییر (دارابی، ۱۳۸۷: ۱۰)، و پشتیبانی بیشتر از تصمیمات مدیران شهری می‌انجامد. همچنین، سهیم شدن مردم (ساکنان شهرها) در قدرت و اختیار، راه‌یابی مردم به نظارت بر سرنوشت خویشان و شهر و گشایش فرصت‌های پیشرفت و تحرک بر روی شهروندان در رده‌های پایین جامعه شهری به‌عنوان مهم‌ترین دستاوردهای مشارکتی مطرح شده‌اند؛ این امر جز با توسل به رویکردهای نوین مشارکتی مانند حکمروایی شهری قابل‌دستیابی نیست، به این دلیل که پایه و اساس این رویکرد را "مشارکت" تشکیل می‌دهد. کاربرد مفهوم حکمروایی خوب شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ در آفریقا آغاز شد (کازمیان، ۱۳۸۶: ۶) و از هنگام مطرح شدن آن، تعاریف و برداشت‌های زیادی از آن شده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

مک‌کارنی و همکاران حکمروایی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی شونده‌گان، حکومت و حکومت‌شوندگان (مک‌کارنی^{xiii} و همکاران، ۱۹۹۵: ۵) تعریف کرده‌اند. از دیدگاه آزیاک نیز حکمروایی شهری، بر اهمیت نحوه مقبولیت، حقانیت و جاری شدن اراده مدیریت جمعی نزد تمامی شهروندان اصرار دارد (آزیاک^{xiv}، ۲۰۰۰: ۱۳۴). در یک تعریف کلی می‌توان گفت، "حکمروایی شهری" فرآیندی است چندجانبه میان کنشگران رسمی اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به‌عنوان کنشگران غیررسمی که تعاملات چندوجهی آن‌ها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنشگران منجر شود. آنچه در این مفهوم باز نمود دارد، همانا وارد شدن جامعه مدنی و نیز بخش خصوصی به فرآیند برنامه‌ریزی و اداره امور (شهری) است. در مجموع از تعاریف متعددی که از حکمروایی شهری صورت گرفته است می‌توان مبانی مشترک زیر را می‌توان استنتاج کرد:

- وجود تلاش‌ها و فعالیت‌های مشترک میان سازمان‌های رسمی توسعه شهری و سازمان‌های غیردولتی.
- وجود سازوکارهایی که مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه شهری و شهروندان را ممکن سازد.
- وجود تفاهم میان سازمان‌های مختلف تهیه‌کننده و اجراکننده طرح‌های شهری (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۵۰۲).

کتاب سفید اتحادیه اروپا پنج اصل گشادگی و بی‌پردگی، مشارکت، پاسخگویی، کارایی و همبستگی را مشخص‌کننده حکمروایی خوب می‌داند (جانسون، ۲۰۰۷: ۱۶). بانک جهانی نیز، ابعاد حکمروایی شهری را چهار اصل مدیریت بخش عمومی، پاسخگویی، چارچوب قانونی برای توسعه و شفافیت و اطلاعات می‌داند (عبداللطیف^{xv}، ۲۰۰۳: ۱۷). در کل، آنچه روی آن اجماع بیشتری وجود دارد، شاخص‌هایی است که سازمان ملل آن‌ها را معرفی نموده است:

جدول ۲- شاخص‌های ارائه‌شده سازمان ملل برای حکمروایی خوب شهری

شاخص	توضیح
قانون‌مندی	وجود قوانین کارآمد و رعایت عادلانه آن در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها.
پاسخگویی	مسئول بودن و حساب پس دهی مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان.
شفافیت	گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، روشن بودن اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود.
مشارکت	سهیم شدن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری‌های شهری.
اثربخشی و کارایی	تأمین نیازها و درعین‌حال بهترین استفاده از منابع.
پذیرا بودن	پذیرش نیازها و خواسته‌های شهروندان و واکنش و پاسخ مناسب به آن.
جهت‌گیری توافقی	وجود ارتباط و تلاش میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های دولتی (نماینده گروه‌های مختلف).
عدالت	فرصت‌های مناسب برای شهروندان جهت ارتقای وضعیت رفاهی، تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم.
بیش راهبردی	فرا رفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها.

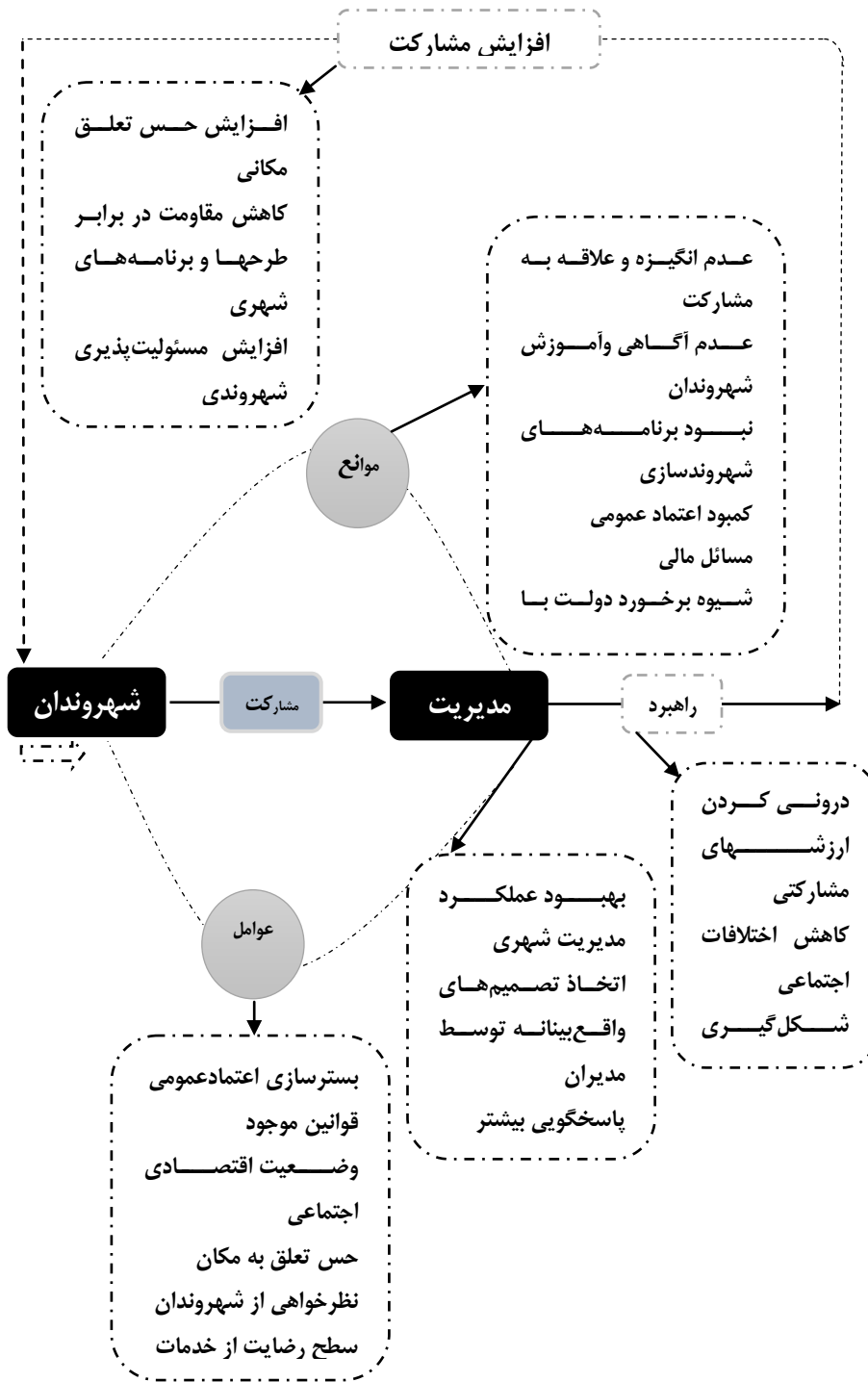
(شیخی، ۱۳۹۳: ۴۸؛ برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۲؛ کمپن^{xvi}، ۲۰۰۰: ۵۷؛ داگلاس^{xvii}، ۲۰۰۵: ۲۳۵؛ گانی و دانکن^{xviii}، ۲۰۰۷: ۳۶۹)

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تقریباً تمامی شاخص‌های موجود در الگوی حکمروایی شهری تحت تأثیر شاخص مشارکت قرار دارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. مدیریت مشارکتی و نقش مکملی که به همراه حکمروایی مطلوب شهری در عرصه‌های شهری ایفا می‌کند، با جهت‌گیری مناسب در مفهوم برنامه‌ریزی و مدیریت، به دولت نقش هدایت، حمایت، مشورت و تشویق نهادهای محلی را می‌دهد که در آن هدف، مشارکت مردمی است تا این آرمان را که "پاتنام" توسعه سیاسی در جلب اعتماد میان مردم و دولت‌مردان و نخبگان می‌داند (پاتنام^{xix}: ۱۹۹۵: ۴۵) بتواند در حکمروایی شهروندمداری، در سطح جامعه شهری معنادار کند و مفهوم شهروندی با آزادی بیان در مدیریت شهری بیشتر چهره عمل‌گرا به خود گیرد. در این مسیر، رابطه بین کنشگران جامعه شهری با مشارکت دادن نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارض‌ها منجر شود و بنابراین، حکمروایان می‌توانند بیشتر بر تصمیم‌گیری تأکید کنند تا خدمات. به عبارت دیگر دولت باید کمتر اجرا کند و بیشتر رهبری و هدایت کند (اسبورن^{xx} و همکاران، ۱۹۹۳). البته در رابطه با چگونگی مشارکت، اهداف و سیاست‌های آن، دیدگاه‌های نسبتاً متفاوتی هم وجود دارد. دنیل.اچ.استروب در کتاب "توسعه در سازمان‌دهی شهرداری" دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را به چهار دیدگاه تقسیم نمود:

جدول ۳- دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی از دیدگاه دنیل.اچ.استروب

همراه ساختن	مشورتی	نظریه‌ها
در این دیدگاه به دلیل اینکه اصولاً ساکنین محلی و مردم قادر نیستند نقش سازنده‌ای در جهت انجام پروژه‌ها ایفا نمایند، لذا مشارکت آنان تنها در جهت کاهش ضدیت آنان با انجام پروژه‌ها از طریق دخالت صوری آن‌ها می‌تواند باشد. به عبارت دیگر، همراه ساختن ظاهری (و نه واقعی) مردم در امر مشارکت جهت جلوگیری از ایجاد موانع توسط آن‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های شهری در آینده.	بر اساس این دیدگاه برخلاف نظریه همراه ساختن بر این عقیده است که ارزش‌هایی که از سوی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران در زمینه منافع عموم مطرح می‌گردد، اصولاً ارزش‌هایی که به طبقه متوسط تعلق داشته (دیدگاه غرب) و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای اقتصاد پایین جامعه باشد. لذا ارتباط مردم و شهروندان جهت آشنایی با افکار و ارزش‌های آن‌ها یکی از مقتضیات برنامه‌ریزی می‌باشد. نظریه مشورتی بر سه روند تأکید دارد که عبارت‌اند از: الف) اطلاع‌رسانی به ساکنین در مورد گزینه‌های موجود ب) اخذ نظرات شهروندان ج) لحاظ نمودن افکار جامعه در طرح و یا برنامه‌های نهایی (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۰۶).	ارتقاء وضعیت شهروندان به وسیله آموزش که از طریق مشارکت به آن‌ها داده می‌شود و تربیت شهروندان مسئول که بتوانند با آزادی و دموکراسی که در اختیارشان قرار می‌گیرد سرنوشت خویش را به سمت بهینه‌ای رهنمون سازند. اساس این نظریه در واقع دموکراسی می‌باشد. افراد معتقد به این نظریه بر این باورند که مشارکت مردمی زمینه آموزشی مناسبی جهت تربیت شهروندان در محله یا محدوده‌ای که مشارکت در آن صورت می‌پذیرد، مهیا می‌سازد و بر این اصل استوار است که تنها با مشارکت دادن و دخیل نمودن ساکنین محلی در برنامه‌ها می‌توان بر آن‌ها تأثیرگذار بود و شهروندان می‌توانند با آموزش قدرت بهبود بخشیدن به وضعیت خود را به دست بیاورند. به عبارت دیگر دخالت مردم در سرنوشت خودشان (در محله) باعث بهبود وضع آنان خواهد بود. این مدل را "مدل یادگیری اجتماعی" نیز می‌دانند. از مبتکرین این نظریه می‌توان جان فریدمن را نام برد که معتقد است باید بین برنامه‌ریزان به‌عنوان وکلای مردم و مردم به‌عنوان موکلین فاصله‌ها حذف شوند و زبان علمی برنامه ریزان به مردم و زبان واقعیت‌های عملی مردم به برنامه ریزان آموزش داده شود و این کار از طریق ارتباط رودررو و شفاهی بین برنامه‌ریز و مردم فاصله این دو قشر را از بین می‌برد (اندروز و هرشل ^{xxi} : ۱۹۹۷).
		بر اساس این نظریه، افراد و جوامعی که به دلایل مختلف از کانون قدرت اجتماعی (و همچنین مزایایی که حاصل از قدرت اجتماعی هست) به دور افتاده‌اند، بایستی بتوانند در سیاست‌گذاری ما دخالت داشته و دخیل باشند. این نظریه به‌طور کلی به‌صورت رادیکال مطرح شده و با نظریه‌های دیگر متفاوت است. بر اساس این نظریه به‌طور عمده دو رویکرد در عملکرد و نقش حکومت‌های محلی وجود دارد: رویکرد اول بر مردمی‌تر نمودن هر چه بیشتر حکومت‌های محلی از طریق جای دادن افراد محلی در هیئت‌های سیاست‌گذاری مستقل در مناطق کم‌درآمد از طریق ایجاد سازمان‌های همسایگی دارد. رویکرد دوم نیز باهدف افزایش کنترل شهروندان، سعی در ایجاد پایگاه قدرت سیاسی کوشا در سطح محلی دارد (حنای، ۱۳۷۹: ۸۴).

بنیادی‌ترین اندیشه زیرساختی مشارکت، پذیرش اصل برابری در فرصت‌ها برای مردم است. بر مبنای همین اصل و بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، محور پژوهش حاضر به سمت نظریه مشورتی گرایش دارد، و در روند انجام پژوهش بر همین مبنا طیف‌های متنوع ساکن در شهر مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند تا دید نسبتاً جامعی از نحوه مشارکت شهروندی و چگونگی مشارکت دادن آن‌ها به دست آید.



تصویر ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر برحسب هدف، کاربردی و به لحاظ روش و ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر روش پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسشنامه به صورت پاسخ بسته و در قالب طیف لیکرت بوده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ساکن شهر پیرانشهر در سال ۱۳۹۵ می‌باشند که برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای استاندارد ۵٪ استفاده شده و

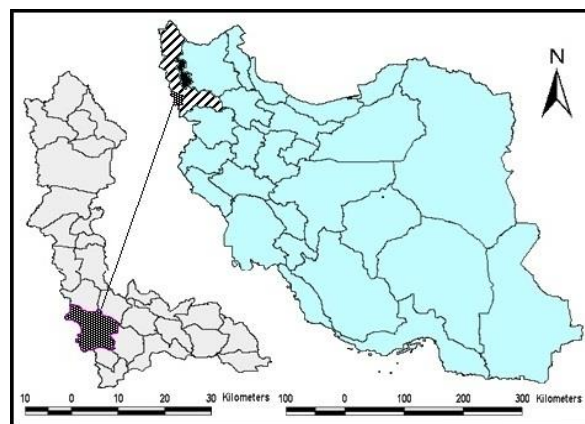
بدین ترتیب حجم جامعه نمونه ۳۸۲ نفر برآورد گردیده است. روش نمونه‌گیری نیز از نوع نمونه‌گیری تصادفی است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS^۱ و همچنین برای تصویرسازی نتایج از نرم‌افزار ArcGis استفاده شده است. قبل از پرداختن به دو متغیر اصلی تحقیق با استفاده از آزمون‌های آماری و تحلیل شاخص‌های بکار رفته، ارجحیت شاخص‌ها و زیرشاخه‌ها با استناد به نظرات ۸ نفر از متخصصین مربوطه ارزیابی گردید. بدین صورت که با استناد به وزن دهی شاخص‌ها توسط کارشناسان و با بهره‌گیری از فرآیند تحلیل شبکه (ANP) در محیط نرم‌افزاری Super Decision از طریق مقایسه زوجی ارجحیت شاخص‌ها تعیین گردید. برای تعریف عملیاتی مدیریت مشارکتی و اثرپذیری آن در حکمروایی بهینه شهری، از شش شاخص (جدول ۴) استفاده گردیده و برای هر شاخص گویه‌هایی در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها از تعداد زیادی از شاخص‌های مختلف که محققان (تئوری‌ها و تحقیقات تجربی) استفاده کرده‌اند، استخراج گردیده‌اند. در بیشتر گویه‌های انتخاب شده برای شاخص‌های تحقیق، از تحقیقات داخلی و خارجی به‌ویژه شاخص‌های استاندارد حکمروایی پایدار شهری در سطح جهانی استفاده شده است؛ البته در تحقیقات داخلی نیز از تعدادی این گویه‌ها استفاده گردیده است.

جدول ۴- شاخص‌های بکار رفته در پژوهش

زیرشاخه‌ها	مشارکت	انتخاب شورا، تصمیمات گروهی، تصور عملی، رأی دادن
	اعتماد	تعهدات مدیران، ارائه خدمات، انجام انتخابات
	پاسخگویی	رضایتمندی، شفافیت‌پذیری، امور بازبینی مستقل، قانون عملکردی
	اجتماع محوری	یادگیری تعامل، رابطه و تعامل، رضایت از منافع جمعی، توافق جمعی، دستیابی به توافقات
	عدالت محوری	حقوق شهروندی، عدالت جنسیتی، برابری تخصیص، عدالت زمانی، برابری فرصت‌ها
	کارایی و اثربخشی	دائمی بودن فعالیت، بهبود شیوه مردم‌داری، افزایش کارآفرینی، بهبود فرآیند

محدوده مورد مطالعه

شهر پیرانشهر به‌عنوان مرکز سیاسی شهرستان پیرانشهر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی و در ۱۲ کیلومتری مرزهای جمهوری اسلامی ایران با عراق (حکومت خودمختار کردستان عراق) واقع شده است. این شهر از شمال به اشنویه و نقده، از جنوب به سردشت و از شرق به مهاباد محدود است (شیخی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). جمعیت شهر پیرانشهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۵۹۷۲۱ نفر بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۷۲۷۲۲ نفر افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰).

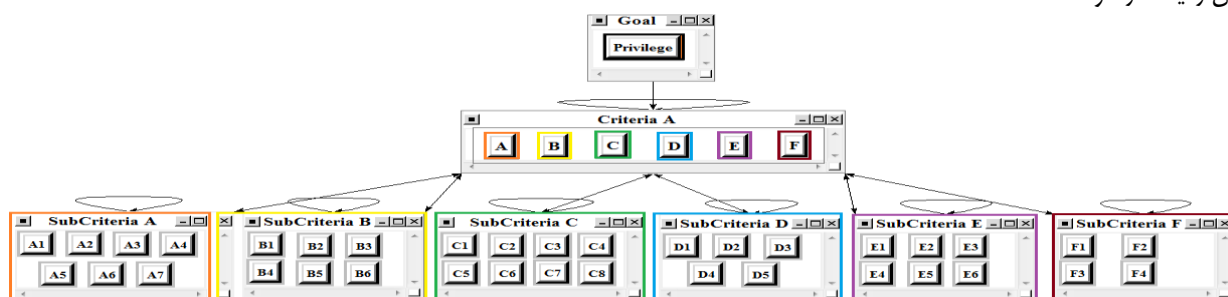


تصویر ۲- جایگاه جغرافیایی شهرستان پیرانشهر در استان آذربایجان غربی

۱- در SPSS، اگر هدف خلاصه کردن تعدادی شاخص به عوامل معنی‌داری باشد، از تحلیل عاملی نوع R استفاده می‌گردد؛ اما در صورتی که هدف ترکیب و تلخیص تعدادی از مکان‌ها و نواحی جغرافیایی در گروه‌های همگن در درون یک سرزمین باشد، از تحلیل عاملی نوع Q باید استفاده شود. در مطالعات جغرافیایی، تحلیل عاملی نوع R بیشتر برای سطح‌بندی مناطق، شهرها و روستاها به کار برده می‌شود که در این پژوهش از آزمون فوق جهت سطح بندی شاخص‌های مدیریت مشارکتی و میزان مشارکت شهروندان در اداره شهری استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

سنجش ارجحیت شاخص‌های به‌کاررفته در پژوهش با استفاده از مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision قبل از پرداختن به داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و تحلیل آن‌ها، ابتدا شاخص‌های پژوهش با توجه به اهمیتی که دارند با استفاده از مدل ANP امتیازدهی شده و ارجحیت شاخص‌ها نسبت به هم مشخص گردیده است. بدین منظور شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها توسط متخصصین ارزش‌گذاری شده و سپس این ارزش‌ها (نمره‌ها) به مدل ANP در نرم‌افزار Super Decision انتقال داده شده و از طریق مقایسه زوجی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها، ارزش و اهمیت نسبی هر کدام به دست آمد که فرآیند کلی در شکل ۳ و نتایج حاصل از کاربرد مدل، در شکل ۴ و جدول ۵ آمده است. لازم به ذکر است که در حالت تخصصی و پرسش از متخصصان شهری تنها از شاخص‌های استاندارد استفاده شده است. اما در پرسشنامه شهروندان با توجه به وضعیت حکمروایی شهری در ایران و وجود نهادی به‌عنوان شورا جهت یکپارچگی مدیریت شهری، پیشنهاد متخصصان و با توجه به مطالعات پیشین و تخصص نگارندگان در زمینه مدیریت شهری شاخصی با عنوان یکپارچگی مدیریت پایدار در ارتباط با دو متغیر اصلی تحقیق طرحی شده است، تا هم به‌عنوان الگویی جدید در مدیریت شهری ایران و هم شاخصی برای دیگر مطالعاتی باشد که در آینده در این زمینه کار خواهند شد.



تصویر ۳- شاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)

Icon	Name	Normalized by Cluster	Limiting
No Icon	A	0.33176	0.165879
No Icon	B	0.26624	0.133118
No Icon	C	0.18184	0.090921
No Icon	D	0.06738	0.033691
No Icon	E	0.03963	0.019815
No Icon	F	0.11315	0.056574

تصویر ۴- ارجحیت شاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)

جدول ۵- ارجحیت زیرشاخص‌های اداره بهینه شهری در فرآیند تحلیل شبکه (ANP)

شاخص	اختصار	زیرشاخص	امتیاز
مشارکت (A)	A1	گرفتاری‌های کار مشارکتی کمتر نتیجه دادن آن	۰/۱۳۱
	A2	بهرتر بودن تصمیمات فردی از تصمیمات	۰/۰۹۶
	A3	پیشرفت امور شهری در تعامل میان شهروندان و مدیران	۰/۱۴۸
	A4	مشارکت در مراسم‌ها	۰/۱۱۲
	A5	مشارکت در طرح‌ها	۰/۱۸۱
	A6	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله	۰/۱۲۵
	A7	تصور شهروند از مشارکت عملی	۰/۲۰۴
مشارکت (B)	B1	پاسخ‌گویی مدیران در قبال امورات محله.	۰/۲۰۳
	B2	واکنش مردم در مقابل کارای بدون مشورت مسئولان.	۰/۱۶۳

۰/۱۳۶	به انجام رساندن پروژه‌ها قبل تعامل مردم	B3	پاسخ‌گویی (B)
۰/۲۶۴	ارزیابی الگوی شورا یاری	B4	
۰/۱۱۰	مشارکت مردم در جلسات محله	B5	
۰/۱۲	رضایت مردم از نحوه‌ی پاسخ‌گویی مدیران	B6	
۰/۰۹۱	عدم مشارکت بر نتیجه انتخابات شورای شهر و شهرداری	C1	
۰/۰۹۹	ظاهری بودن انتخابات شوراها	C2	
۰/۰۸۳	با شرکت در شورای شهر و انداختن یک رأی، هیچ تأثیری بر نتیجه انتخابات نمی‌توان گذاشت.	C3	
۰/۱۰۳	موفق نبودن شورا در نظم آرامش شهر	C4	اعتماد (C)
۰/۱۶۲	تبعیض گذاشتن بین مناطق شهری	C5	
۰/۱۲۳	نبود خدمات مناسب در قبال عوارض دریافتی	C6	
۰/۱۲۰	واضح نبودن مدیران شهری در مسائل شهری	C7	
۰/۲۱۵	عدم تعهد مدیران در اجرای کارها	C8	
۰/۱۳۷	بهتر نتیجه دادن کار شراکتی و جمعی از کار فردی و انفرادی *	D1	
۰/۱۵۲	بیشتر نتیجه دادن جنبه موفقیتی فعالیت‌ها و تصمیمات گروهی از فعالیت‌ها و تصمیمات فردی	D2	
۰/۲۳۱	همفکری و هم‌سویی مدیران شهری با مردم برای خدمات‌رسانی مؤثرتر	D3	اجماع محوری (D)
۰/۲۴۱	پیشرفت همگانی باید بین مدیران محله‌ها و منطقه دیگر یک رابطه و صمیمی و همفکری	D4	
۰/۲۳۷	هرچه تعامل و رابطه بین مدیران شهری و یا نهادهای مدنی و دولتی بیشتر باشد اتفاق نظر و توافق جمعی بیشتر	D5	
۰/۲۶۲	توزیع عادلانه منابع و امکانات	E1	
۰/۱۶۹	کارایی زنان در امور اجرایی و مدیریتی	E2	
۰/۱۷۴	عدالت در بعد زمانی	E3	عدالت محوری (E)
۰/۱۱۸	تبعیض در اشتغال‌زایی بین زنان و مردان	E4	
۰/۱۶۵	بیشتر بودن میزان مشارکت طبقات درآمدی بالا نسبت به طبقات درآمدی پایین	E5	
۰/۱۰۹	توجه مسئولین به منافع جمعی تا فردی	E6	
۰/۱۸۱	میزان مشارکت مردمی و استفاده از تجربه و تخصص شهروندان	F1	کارایی و اثربخشی (F)
۰/۳۴۳	اعتقاد مدیران به بهبود شیوه‌های مردم مداری	F2	
۰/۲۶۱	اراده مدیران در بهبود کارها بر اساس دانش بومی و جدید	F3	
۰/۲۱۱	مستمر و دائمی بوده فعالیت‌های مدیران شهری برای عمران و آبادی شهر	F4	

بر اساس نتایج ارزش بندی شاخص‌ها و زیرشاخه‌ها در مدل ANP، شاخص‌های مشارکت (A) و پاسخ‌گویی (B) به ترتیب با ۰/۳۳۱ و ۰/۲۶۶ امتیاز به‌عنوان بارزترین شاخص انتخاب شده‌اند. بارزترین زیر شاخص نیز در هر شاخص بدین ترتیب است:

مشارکت (A7)، پاسخ‌گویی (B4)، اعتماد (C8)، اجماع محوری (D4)، عدالت محوری (E1) و کارایی و اثربخشی (F2).

پس از اینکه به ارزیابی شاخص‌ها و زیرشاخه‌های اداره بهینه شهری و ارجحیتشان پرداخته شد، در این بخش از یافته‌های تحقیق به بررسی اثرات مدیریت مشارکتی پرداخته خواهد شد. یافته‌های تحقیق در نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شده است.

همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل: پس از آگاهی از وضعیت اداره بهینه شهری و میزان مدیریت مشارکتی در محدوده مورد مطالعه و رتبه‌بندی محله‌ها، برای آزمون فرضیه بعدی که هدف آن شناختن رابطه بین این دو متغیر، جهت رابطه و شدت رابطه است، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان‌دهنده رابطه معنادار و بالایی بین رهیافت مدیریت مشارکتی است. داده‌های آماری حاصل از پرسشنامه‌های شهروندان (۳۸۲ مورد) نشان از وجود رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر تحقیق دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری بین دو متغیر مدیریت مشارکتی و حکمروایی بهینه شهری کمتر از ۰/۵۰ (مقدار آلفا ۰/۰۰) بوده و بنابراین رابطه‌ی قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر با میزان ۰/۲۶۳ وجود دارد. پس با توجه به یافته‌های حاصل از جدول ۶ می‌توان اثبات کرد که هرچه شیوه اداره شهر بهینه‌تر باشد میزان مدیریت مشارکتی بهتر خواهد بود و بالعکس با کاهش اداره خوب شهری میزان مدیریت مشارکتی شهروندان نیز کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، در نتیجه وجود همبستگی مستقیم بین دو متغیر پژوهش، با افزایش Y افزایش X را نیز خواهیم داشت.

جدول ۶- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل

مؤلفه‌ها	آزمون پیرسون	مدیریت مشارکتی	حکروایی شهری	سطح معناداری
مدیریت مشارکتی	ضریب همبستگی	۱/۰۰	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰
	معناداری	-	۰/۰۰۰	
حکروایی شهری	ضریب همبستگی	۰/۲۶۳	۱/۰۰	۰/۰۰۰
	معناداری	۱/۰۰	-	

به منظور دسته‌بندی روابط بین متغیرها و میزان اثرپذیری مدیریت مشارکتی در اداره حکروایی بهینه شهری و برای تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر یک از متغیرها در قالب عوامل دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل از آزمون بارتلت و شاخص KMO استفاده شده است که مقدار آن همواره بین ۰ و ۱ در نوسان است. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵۰ باشد نوع داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد می‌توان با احتیاط بیشتر به تحلیل عاملی پرداخت. اما در صورتی که مقدار آن بالای ۰/۷۰ باشد همبستگی بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهد بود. از سوی دیگر برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای وابسته است، می‌آزماید. برای آنکه یک مدل تحلیل عاملی مفید و دارای معنا باشد لازم است متغیرها همبسته باشند.

جدول ۷- مقدار KMO و آزمون بارتلت و سطح معناداری

سطح معناداری	df	آزمون بارتلت	مقدار KMO	رابطه بین مشارکت شهروندان و حکروایی خوب شهری
۰/۰۰۰	۱۴۳۱	۶۱۱۵/۶۸۲	۰/۷۶۲	

همان‌طور که در جدول بالا ملاحظه می‌شود مقدار KMO با ۰/۷۶۲ بالای ۰/۷۰ است و میزان همبستگی بالای متغیرها را برای آزمون مدل تحلیل عاملی نشان می‌دهد. معنی‌دار بودن آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹٪ و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی بالای متغیرها می‌باشد. همراه با دوران عامل‌ها، محقق باید از طریق انتساب متغیرها به عامل‌ها به استنتاج مفهومی بپردازد. بدین معنی که باید به هر یک از مجموعه متغیرهایی که بر یک عامل تعلق گرفته‌اند، مفهومی عام تعیین کرد تا بتوان به تفسیر آن‌ها پرداخت. از طریق همین فرایند است که محقق با استفاده از تحلیل عاملی، تعداد زیادی متغیر را در چند عامل خلاصه کرده و نام عمومی برای آن تعیین می‌کند تا بتواند به تلخیص داده‌ها که از اهداف اساسی این تکنیک آماری است دست یابد.

جدول ۸- عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آن‌ها

شماره	عوامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	مدیریت و تصمیم‌گیری	۲/۰۸۳	۲۹/۷۵۸	۲۹/۷۵۸
۲	مشارکت	۱/۳۲۱	۱۸/۸۷۴	۴۸/۶۳۲
۳	پاسخ‌گویی	۱/۰۵۹	۱۵/۱۲۵	۶۳/۷۵۷
۴	اعتماد	۰/۷۶۸	۱۰/۹۷۲	۷۴/۷۳
۵	اجماع محوری	۰/۶۵۴	۹/۳۳۹	۸۴/۰۶۹
۶	عدالت محوری	۰/۵۸۷	۸/۳۸۱	۹۲/۴۵
۷	کارایی و اثربخشی	۰/۵۲۹	۷/۵۵	۱۰۰

عوامل استخراج شده مجموعه مورد تحلیل، یعنی اثرات حکروایی خوب در مدیریت مشارکتی، همراه با اقدام ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۸ ارائه شده است. لازم به ذکر است که به منظور استخراج و دسته‌بندی عوامل، از معیار مقدار ویژه استفاده گردیده است. با توجه به نتایج به دست آمده جدول ۷، عامل مدیریت و تصمیم‌گیری از بین ۶ عامل

استخراجی که تحت عنوان عامل مدنظر محقق است دارای میزان بیشتری است که مقدار درصد واریانس و مقدار ویژه در جدول ۸ روشن است که به عامل اول و دوم به ترتیب تصمیم‌گیری و مشارکت بیش‌ترین درصد را با ۱۸/۸۷ و ۱۵/۱۲۵ با مقدار ویژه ۱/۳۳ و ۱/۰۵۹ به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۹- متغیرهای مربوط به هر یک از عوامل و میزان بارهای عاملی به‌دست‌آمده از مدل تحلیل عاملی

عوامل	متغیرها	بار عاملی
مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار	اعتقاد ساختار مدیریت شهری به مشارکت مردم در حل مشکلات شهری.	۰/۶۵۹
	فعالیت‌های مدیریت فعلی شهر در رابطه با خواست‌های شهروندان	۰/۳۶۶
	اطلاع از برنامه‌های شهری و نحوه‌ی اجرای آن‌ها	۰/۷۸۶
	اهل تبادل نظر کردن و مشورت کردن مدیران با اهالی شهر یا محله	۰/۳۴۵
	میزان تصمیم‌گیری‌های مربوط به امورات محله با همفکری و مشورت با مردم محله	۰/۴۴۷
	اهمیت مدیران شهر به مشارکت کردن در فعالیت‌های عام النفعه	۰/۴۵۱
	تشویق مردم شهر در مشارکت سیاسی	۰/۴۸۵
	مشارکت مدیران در کارهای اجرایی و عمرانی	۰/۵۶۹
	گرفتاری‌های کار مشارکتی و کمتر نتیجه دادن آن	۰/۸۸۹
	بهتر بودن تصمیمات فردی از تصمیمات گروهی	۰/۴۶۸
مشارکت	پیشرفت امور شهری در تعامل میان شهروندان و مدیران	۰/۴۴۳
	مشارکت در مراسم‌ها	۰/۳۶۴
	مشارکت در طرح‌ها	۰/۵۸۲
	مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محله	۰/۵۲۹
	تصور شهروند از مشارکت عملی	۰/۴۶۵
	پاسخ‌گویی مدیران در قبال امورات محله.	۰/۶۷۴
	واکنش مردم در مقابل کارهای بدون مشورت مسئولان.	۰/۳۱۷
	به انجام رساندن پروژه‌ها قبل از تعامل با مردم	۰/۳۹
	ارزیابی الگوی شوراییاری	۰/۵۳۵
	مشارکت مردم در جلسات محله	۰/۴۴۷
پاسخ‌گویی	رضایت مردم از نحوه پاسخ‌گویی مدیران	۰/۷۵۲
	عدم مشارکت بر نتیجه انتخابات شورای شهر و شهرداری	۰/۴۳۷
	ظاهری بودن انتخابات شوراها	۰/۵۴۷
	با شرکت در شورای شهر و انداختن یک رأی، هیچ تأثیری بر نتیجه انتخابات نمی‌توان گذاشت.	۰/۳۶۲
	موفق نبودن شورا در نظم آرامش شهر	۰/۴۸۲
	تبعیض گذاشتن بین مناطق شهری	۰/۴۵۳
	نبود خدمات مناسب در قبال عوارض دریافتی	۰/۵۸۴
	واضع نبودن مقاصد مدیران شهری در مسائل شهری	۰/۶۷
	عدم تمهد مدیران در اجرای کارها	۰/۷۴
	اعتماد	

۰/۵۵۵	بهبود نتیجه دادن کار شراکتی و جمعی از کار فردی و انفرادی	اجماع محوری
۰/۵۳	بیشتر نتیجه دادن جنبه موفقیتی فعالیت‌ها و تصمیمات گروهی از فعالیت‌ها و تصمیمات فردی	
۰/۷۰۱	همفکری و هم‌سویی مدیران شهری با مردم برای خدمات‌رسانی موثرتر	
۰/۵۷۳	حاصل شدن پیشرفت همگانی بین مدیران محله‌ها و مناطق دیگر با یک رابطه و صمیمی و همفکری	
۰/۵۶۲	هرچه تعامل و رابطه بین مدیران شهری با نهادهای مدنی و دولتی بیشتر باشد، توافق جمعی بیشتر است.	
۰/۶۷۶	توزیع عادلانه منابع و امکانات	عدالت محوری
۰/۷۵۱	کارایی زنان در امور اجرایی و مدیریتی	
۰/۵۵	عدالت در بعد زمانی	
۰/۵۳۲	تبعیض در اشتغال‌زایی بین زنان و مردان	
۰/۸۰۳	بیشتر بودن میزان مشارکت طبقات درآمدی بالا نسبت به طبقات درآمدی پایین	
۰/۵۴	توجه مسئولین به منافع جمعی تا فردی	کارایی و اثربخشی
۰/۴۷۱	میزان مشارکت مردمی و استفاده از تجربه و تخصص شهروندان	
۰/۶۳۹	اعتقاد مدیران به بهبود شیوه‌های مردم‌مداری	
۰/۵۴۳	اراده مدیران در بهبود کارها بر اساس دانش بومی و جدید	
۰/۳۱۳	مستمر و دائمی بوده فعالیت‌های مدیران شهری برای عمران و آبادی شهر	

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در عامل اول مدیریت و تصمیم‌گیری پایدار و یکپارچه (۸ شاخص)، با میزان همبستگی ۰/۷۸۶ به‌تنهایی میزان ۲۵/۷۵ درصد از واریانس‌ها را نیز به خود اختصاص داده است و بنابراین، این عامل را با توجه به اهمیت ویژه آن می‌توان معنادارترین عامل در تحلیل صورت گرفته دانست. بر این اساس، شهروندان اهمیت زیادی برای رابطه متقابل با ترجمان‌های مدیریتی قائل هستند و به نحوه همکاری بین نهادها، نهادهای مدیریت شوری و شکل اطلاع‌رسانی حساسیت بیشتری را نشان داده‌اند که خود نمودی بر متأثر بودن آن‌ها از گذر حکمروایی شهری در پیرانشهر طی چند سال گذشته است.

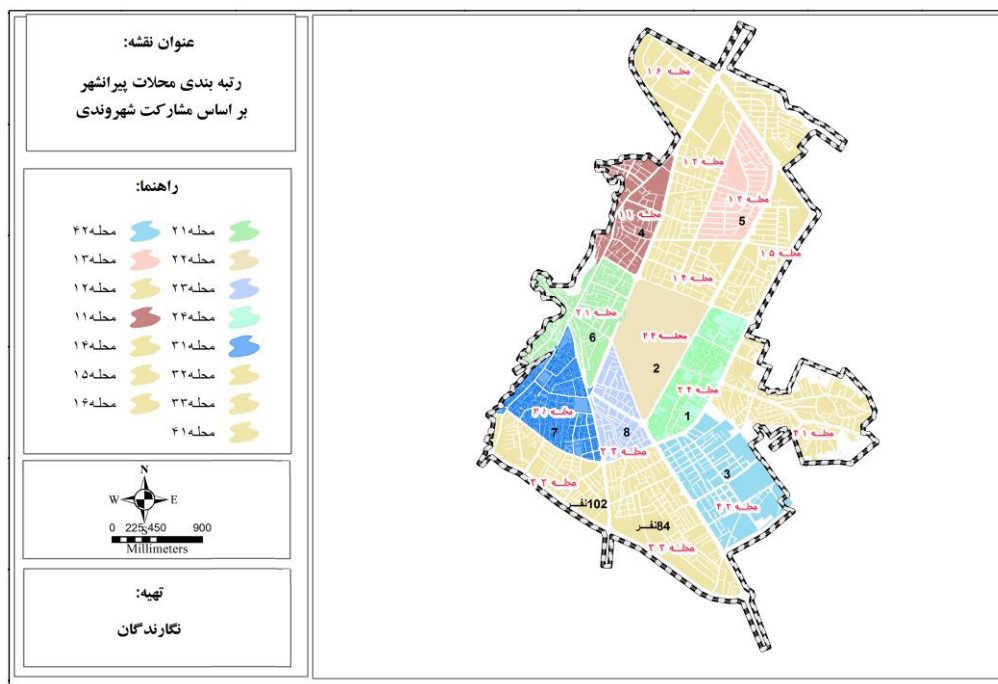
عامل دوم نیز که در بین شاخص‌های مطرح‌شده بیش‌ترین میزان همبستگی را (۰/۸۸۹) دارا می‌باشد، با بالاترین سطح میزان همبستگی در بین کل شاخص‌ها، میزان ۸۷/۱۸ درصد از واریانس‌ها را به خود اختصاص داده است. عامل سوم که شاخص میزان پاسخ‌گویی می‌باشد، بیش‌ترین میزان همبستگی در متغیر نحوه عدم رضایت ساکنین از اعمال اجرایی با ۰/۷۵۲ با ارزش ویژه ۱/۰۵۹ و میزان ۱۵/۱۲۵ درصد واریانس را دارا می‌باشد. به دنبال روند افزایش آگاهی شهروندی از حق خود نسبت به شهر و حکمروایی آن، توقع شهروندان به‌مرورزمان نسبت به نقششان در ساماندهی امورات محله و شهر افزایش یافته و خواهان پاسخگویی مسئولان در اقدامات اجرایی هستند. شاخص اعتماد به‌عنوان چهارمین عامل، با بیش‌ترین میزان همبستگی در متغیر تعهد مدیران در اجرای کارها، با ۰/۷۴ میزان همبستگی و ۱۰/۹۲ درصد از واریانس دارای همبستگی بالایی در بین شاخص‌ها می‌باشد؛ عامل‌های پنج و شش و هفت نیز به ترتیب با میزان همبستگی‌های ۰/۷۰۱، ۰/۸۰۳ و ۰/۶۳۹ دارای سطح معناداری مناسب از همبستگی می‌باشند.

آزمون میانگین کروسکال‌والیس: این آزمون مقادیر نمونه‌ها را یکجا به‌صورت نزولی یا صعودی مرتب و سپس با توجه به رابطه بین متغیرها و میزان سطح اهمیتشان نسبت به هم آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کند. نتایج آزمون کروسکال‌والیس در محله‌های پیرانشهر بیانگر این مطلب است که محله ۲۴ با بیشترین میزان مشارکت شهروندی (۲۳۶/۶۶) در رتبه اول و پس‌از آن محله‌های ۴۷ و ۴۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این در حالی است که کمترین میزان مشارکت مربوط به محله‌های ۱۴ و ۳۱ است که از مناطق ناپایدار شهری هستند و عمدتاً افراد با درآمد پایین در این بخش از شهر زندگی می‌کنند. نتایج این آزمون نشانه بارزی از وضعیت نامطلوب اقدامات ارگان‌های مدیریتی و دولتی در برخی مناطق شهر است که عمدتاً نشان از بی‌عدالتی، عدم کارایی و اثربخشی، نبود شفاف‌سازی و پایین بودن مسئولیت‌پذیری مدیران می‌باشد که به تبعیض در ارائه خدمات شهری در بخش‌های مختلف شهر منجر شده است؛ اما در نهایت با توجه به اینکه سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۱ است آزمون در سطح ۰/۹۹ به تأیید می‌رسد.

جدول ۱۰- نتایج محاسبات آزمون کروسکال والیس

رتبه	ارزش	فراوانی	مشارکت شهروندان در حکم روابی شهری
۸	۱۵۷/۴۷	۴۹	محل ۱۴
۷	۱۶۸/۸۶	۶۰	محل ۳۱
۳	۲۰۷/۵۹	۴۶	محل ۴۲
۲	۲۱۸/۹۳	۴۷	محل ۲۲
۵	۱۸۷/۹۵	۴۰	محل ۱۳
۶	۱۷۸/۳۹	۴۴	محل ۲۱
۱	۲۳۶/۶۶	۱۳۸	محل ۲۴
۴	۱۹۲/۳۰	۵۸	محل ۱۱
۳۸۲			

Chi-Square 18.284, df 7, sig 0/01



تصویر ۵- رتبه‌بندی محلات پیرانشهر بر اساس مشارکت شهروندی

نتیجه‌گیری

مدیریت مشارکتی شهری یعنی توانمندسازی شهروندان به‌منظور مداخله در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریت شهری و ارائه راهکارهای عملی سهیم شدن مردم در فرآیند سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در واقع به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان‌یافته و مؤثر یگان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری است. اهمیت مشارکت در مدیریت شهری به‌اندازه‌ای است که بانک جهانی آن را به‌عنوان یکی از چهار تغییر ساختاری در مدیریت شهری دانسته است. این امر (مشارکت) علاوه بر اینکه گامی به‌سوی توسعه پایدار و فراگیر است، در حال حاضر رمز موفقیت پروژه‌های توسعه شهری و همچنین یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری و ارکان آن نیز است. مجموعه عوامل یادشده ضرورت توجه اساسی به مفهوم مدیریت مشارکتی را مطرح می‌سازد. بر همین مبنا در پژوهش حاضر به ارزیابی مشارکت شهروندی در شهر پیرانشهر و نقش آن در حکمروایی بهینه شهری پرداخته شد.

بر اساس نتایج ارزش‌گذاری شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مدیریت مشارکتی در مدل ANP و نرم‌افزار Super Decision، شاخص‌های مشارکت (A) و پاسخگویی (B) به ترتیب با ۰/۳۳۱ و ۰/۲۶۶ امتیاز به‌عنوان بارزترین شاخص انتخاب شده‌اند. بارزترین زیر شاخص نیز در هر شاخص بدین ترتیب می‌باشد:

مشارکت (A7)، پاسخگویی (B4)، اعتماد (C8)، اجماع محوری (D4)، عدالت محوری (E1) و کارایی و اثربخشی (F2).

نتایج حاکی از این واقعیت است که مدیریت شورایی پیرانشهر در سطح مطلوبی قرار ندارد و نتوانسته است بر اساس معیارهای مصوب کشوری و استانداردهای جهانی اداره شود. نارضایتی مردم از روند برنامه‌های اجرایی و روند کاهش ساخت بازارچه شهری و برنامه‌های توریستی و فضای سبز و مبلمان شهری در چند سال اخیر شاهدهی بر ادعای نبود مدیریت پایدار و شوراهای کارآمد در طول این چند سال می‌باشد؛ اگرچه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح معناداری بین دو متغیر مدیریت مشارکتی و حکمروایی بهینه شهری کمتر از ۰/۵۰ (مقدار آلفا ۰/۰۰) بوده و بنابراین رابطه‌ی قوی، مثبت و مستقیم بین دو متغیر با میزان ۰/۲۶۳ وجود دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت که هرچه شیوه اداره شهر بهینه‌تر باشد میزان مدیریت مشارکتی بهتر خواهد بود و بالعکس با کاهش اداره خوب شهری، میزان مدیریت مشارکتی شهروندان نیز کاهش می‌یابد که این جریان در نمونه مورد مطالعه با وجود عدم حکمروایی بهینه و نبود یکپارچگی و ضعف مدیریت شهری بین نهادهای مدیریتی، سبب کاهش مشارکت مردم در امور شهری شده است.

نتایج رتبه‌بندی محلات پیرانشهر بر اساس رویکرد مدیریت مشارکتی با استفاده از آزمون کروسکال والیس نشانگر آن است که محله ۲۴ با بیشترین میزان مشارکت شهروندی (۲۳۶/۶۶) در رتبه اول و پس از آن محله‌های ۴۷ و ۴۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. این در حالی است که کمترین میزان مشارکت مربوط به محله‌های ۱۴ و ۳۱ است که از مناطق ناپایدار شهری هستند و عمدتاً افراد با درآمد پایین در این بخش از شهر زندگی می‌کنند. برای تحقق حکمروایی خوب شهری با نگرش مشارکتی و رویکرد شبکه‌ها - خوشه‌ها که بر نظام برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و چند سطحی تأکید داشته است که در آن به نقاط جغرافیایی به‌صورت منفعل می‌نگرد مورد تأکید است در چهارچوب این نظام یکپارچگی و یا هماهنگی چندبخشی فعالیت‌های اجرایی روستایی و شهری در سطح محلی و منطقه‌ای مورد نظر است و بر تحرک بخشیدن به ظرفیت‌های درونی مناطق تأکید می‌شود. بطوریکه در شکل‌گیری حکمروایی بهینه‌ی شهری بر پایه الگوی حکمرانی مردم‌سالارانه و تقویت فرهنگ تعامل و همزیستی بین کنشگران جامعه و از سوی دیگر تعلقات و حس مکانی، حقوقی، شهروندی و اجتماعی در شهروندان همراه با مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها می‌تواند نتایج مفیدی را در اداره شهری با نهادینه شدن مدیریت در سطوح مختلف، جهت بخشیدن و تقویت الگوی مدیریت شورایی بین همه نهادهای مدیریتی و در پی آن با روند پاسخگویی مسئولان و مسئولیت‌پذیری همه ارکان مدیریتی شهر در اجرای عملکرد افزایش اعتماد بین کنشگران و عدالت محوری بین شهروندان را بیش‌ازپیش ساماندهی و تقویت بخشید.

پی‌نوشت

i- Lyon

ii- مثلاً NGOها، سازمان‌های تجاری، بخش دولتی و...

iii- Johnson

iv- به عنوان یکپارچگی مدیریت شهری

v- ناشی از توسعه اقتصادی پیرانشهر در اثر توسعه بازارچه مرزی ترمچین

vi- پذیرش ظاهری اصل حکمروایی شهری ولی عدم اعتقاد به آن

vii- Kennedy Stewart

viii- Peris

ix- Faehnle

x- Sharifzadeh aghdam and Asghari Zamani

xi- UNDP

xii- Almudi

xiii- MC. Carney

xiv- Osziak

xv- Abdellatif

xvi- Kempen

xvii- Douglas

xviii- Gani & Duncan

xix- Putnam

xx- Osborne

xi- Andrews & Herschel

فهرست منابع

۱. احمدی کرد آسیایی، ف. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری در قائم‌شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. آدینه وند، ع.، قدمی، م.، و حاجی‌زاده، م. (۱۳۹۱). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمروایی خوب شهری (بابلسر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۳. برک‌پور، ن. (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری (مورد: همدان اسلام‌شهر). مجموعه مقالات کنفرانس و مدیریت شهری.
۴. تقوایی، ع.، و تاجدار، ر. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳، ۴۵-۵۸.
۵. حناچی، س.، و مرادی مسیحی، و. (۱۳۸۰). شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری. وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۶. دارابی، ح. (۱۳۸۸). نقش مشارکت در طراحی محیط روستایی. مجله محیط‌شناسی، ۳۵، ۵۲، ۱۱۱-۱۲۴.
۷. رجبی، آ. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه شهری. فصلنامه آمایش محیط، ۱۲.
۸. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های ایران. (۱۳۸۷). دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهران.
۹. شماعتی، ع. (۱۳۸۳). توسعه اجتماعات محله‌ای و تأثیر آن بر توانمندسازی نظام مدیریت شهری. چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای. تهران: شهرداری تهران.
۱۰. شیخی، ع. (۱۳۹۳). استراتژی‌های توسعه شهر پیرانشهر با رویکرد CDS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
۱۱. صادقی، م.، و رهنما، م. ر. (۱۳۹۲). تبیین ساختاری - کارکردی مدیریت مشارکتی شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵، ۱، ۱۶۹-۱۸۴.
۱۲. صرافی، م. (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌و بودجه.
۱۳. کاظمیان، غ. (۱۳۸۶). درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری. جستارهای شهرسازی، ۱۹ و ۲۰.
۱۴. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.
۱۵. ملاحسنی، ح. (۱۳۸۳). سرمایه اجتماعی در سطح محله، نمونه موردی: محلات شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شیراز.
16. Abdellatif, M, A. (2003). Good Governance and Its Relationship to Democracy & Economic Development. Global Forum III on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity Seoul, 20-31, May 2003.
17. Almudi, T. (2008). Opportunities and Problems for Participatory Management in the Peixe Lagoon National Perk, Southern Brazil. Thesis for the degree of Master of Natural Resources, University of Manitoba, Canada.
18. Andrews, P., & Herschel, R. (1997). Organizational Communication: Empowerment in a Technological Society. Delhi : Houghton Mifflin ,CO
19. Douglas, D. (2005). The Restructuring of Local Government in Rural Regions: A Rural Development Perspective. Journal of Rural Studies, 21, 3, 231-246.
20. Faehnle, M., & Tyrvaiven, L. (2013). A framework for evaluating and designing collaborative planning. Journal Land Use Policy, 34: 332-341.
21. Gani, A., & Duncan, R. (2007). Measuring Good Governance Using Time Series. Journal of the Asia Pacific Economy, 12 , 3, 367-385.
22. Johnson, R. (2007). Toward democratic decentralization: approaches to promoting good Governance, Near East bureau. UDAID, Washington D.C, 1.
23. Kempen, R. (2000). Urban governance within the big Cities policy. Journal of Cities, 21, 1.

24. Kennedy, S., (2006), Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver, *Cities*, 23, 3, 196-204.
25. Lyon, P. (2000). Partnership for Good Governance in the 21st Century. *Journal of Rural studies*, 59, 3. 43 – 53.
26. Mc.Cartney, P., et al., (1995). Towards and understanding of Governance- the emergency of and idea and its implications for urban research in developing countries. University of Toronto.
27. Osborne, D., & Gaebler, T. (1993). *Reinventing Government-How the Entrepreneurial Spirit is Transforming the Public Sector*. USA: Plume, Penguin Books.
28. Osziak, O. (2000). Building capacity for Governance in Argentina *Asia Review of public Administration*, 7, 10.
29. Peris, J., Acebillo-Baque, M., & Calabiug, C. (2011). Scrutinizing the link between participatory governance and urban environment management. The experience in Arequipa during 2003-2006. *Habitat International*, 35, 84-92, doi:10.1016/j.habitatint.2010.04.003.
30. Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of democracy* 6: 65, 67.
31. Sharifzadeh Aghdam, A., & Asgari Zamani, A. (2014). Assessing Consultative Management in the Formation of Sustainable Urban Neighborhoods (In Terms Of Environmental Aspects). *International Journal of Humanities and Social Science Invention*, 3, 8, 41-48.
32. UNDP (Urban Governance Index). (2002). A Tool to measure progress in achieving Good Urban Governance (Global Comparing on urban governance).